بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی

محدثان قم در ابتدای قرن سوم نقش برجسته ای در انتقال میراث حدیثی کوفه به این شهر داشته اند. علاوه بر نقل، تبویب و شرح احادیث، بازخوانی معیارهای راویان قمی در پذیرش و نقل احادیث از اهمیت خاصی برخوردار است. محمد بن خالد برقی از بزرگان قم در این دوره است که الگوی تعامل با میراث گذشتگان را تصحیح کرده و تکامل بخشیده است. وی در کنار اعتماد بر ثقات، با نگاه جدید به میراث ضعیفان و قبول روایت ایشان در صورت همراهی قرائن، بنیان نوینی در این روند ایجاد کرده است. در این مقاله ضمن مطالعه میراث روایی وی به شواهد این ادعا پرداخته شده است.

این مقاله اولین بار در مجله پژوهشهای قرآن و حدیث دانشگاه تهران به چاپ رسیده است

علیرضا بهرامی و سید علیرضا حسینی

مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام

۱۳۹۲/۰۹/۰۱

عناوین مطالب

چکیده

محدثان قم در ابتدای قرن سوم نقش برجسته ای در انتقال میراث حدیثی کوفه به این شهر داشته اند. علاوه بر نقل، تبویب و شرح احادیث، بازخوانی معیارهای راویان قمی در پذیرش و نقل احادیث از اهمیت خاصی برخوردار است. محمد بن خالد برقی از بزرگان قم در این دوره است که الگوی تعامل با میراث گذشتگان را تصحیح کرده و تکامل بخشیده است. وی در کنار اعتماد بر ثقات، با نگاه جدید به میراث ضعیفان و قبول روایت ایشان در صورت همراهی قرائن، بنیان نوینی در این روند ایجاد کرده است. در این مقاله ضمن مطالعه میراث روایی وی به شواهد این ادعا پرداخته شده است.

کلید واژه ها: برقی، ثقات، محدثان قم، منابع روایی، میراث حدیثی.

مقدمه

مدرسه حدیثی قم با معیارهای خاصی به دریافت و انتشار میراث حدیثی کوفیان پرداخته است. قم به عنوان شهری شیعی، اصول و مبانی اهل بیت(ع) را از مجموعه تراث کوفه اصطیاد، و بر نقد احادیث منتقل شده اصرار فراوانی دارند.

دقت فوق‌العاده اصحاب قمی اهل بیت(ع) در میراث بانی احادیث ایشان، گاه به منازعات و اختلافاتی منجر شده است. برداشت اولیه از برخی گزارشات فهرستی این گمانه را در ذهن می آفریند که تصلب قمی ها بر روایات و ستیزه ایشان با مفاهیم انحرافی همچون غلو، جریانی تک صدایی در پی داشته که به کنار نهادن بخشی از میراث حدیثی وپیشگیری از تألیف آن از طرفی و اهتمام به انعکاس انحصاری روایات مطابق این اندیشه، از دیگر سو شده است.

این مقاله در صدد نقد گمانه فوق با تکیه بر مطالعه و دقت در شخصیت تأثیر گذار محمد بن خالد برقی است.

برقی از جمله سرشاخه های انتقال میراث حدیثی اصحاب کوفی به قم به شمار می‌رود. تنوع آثار و حجم گسترده روایاتی که او در اختیار داشته است، وی را به عنوان سرسلسهٔ این جریان در کنار حسین بن سعید ـ و البته بعدها ابراهیم بن هاشم ـ معرفی می کند. برقی به عنوان یک حدیث شناس صاحب اندیشه، بر خلاف جریان غالب آن روز مدرسه قم که هیچ تعاملی با ضعفاء را برنمی تابیدند، ممیزی آثار ایشان و پذیرش بخشی از میراث آنها که اطمینان به انتسابش به معصوم حاصل می شود را به عنوان گفتمانی منطقی و عقلانی رهبری می کند. وی و فرزندش احمد، اگرچه به روایت از ضعفاء و اعتماد بر مراسیل متهم شده اند، ولی میزبانی و دریافت احادیث ضعیفان و حتی غالیان و پالایش آن را کمکی در جهت تقویت میراث حدیثی شیعه معرفی می کنند. ایشان مطابق جریان عمومی از پذیرش و نقل مضامین عقیدتی منحرف جریان های ضعیف و غالی سرباز زده اند و انعکاسی از آن در میراث حدیثی ایشان دیده نمی شود، ولی برای رد بقیه میراث که خالی از شوب ضعف و غلو است، دلیل موجهی نمی بینند. شواهدی از این ادعا در این مقاله جستجو و بررسی شده است.

هویت شناسی

او محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (نجاشی، ۳۳۵، به‌رقم ۸۹۸) است. خاندان او اصالت کوفی دارد و پدر وی از کوفه به قم منتقل و در برقه رود سکنی گزیده است. (نک: همو، ۷۶، به‌رقم) خاندان برقی به عنوان «بیت علم و فقه و حدیث» شناخته می شوند و برادران او حسن و فضل، نواده و برادر زاده او نیز از روات و عالمان شیعه معرفی شده اند. (تفرشی، ۴/ ۳۱۷ به‌رقم ۶۵۸؛ اردبیلی، ۲/ ۱۰۸؛ بحرالعلوم، ۱/ ۳۳۱؛ حائری، ۳۹/۶، به‌رقم ۲۶۱۰)

درک دوره سه امام شیعه یعنی امام کاظم، امام رضا و امام جواد(ع) (طوسی، رجال، ۳۶۳، به‌رقم ۵۳۹۱ و ۳۷۷ و ۵۵۸۵؛ برقی، رجال، صص ۵۰، ۵۴ و ۵۵) از خصایص وی به شمار می رود.

رشد و نمو علمی او در قم رقم خورده است و گزارش دقیقی از سفرهای علمی او ارائه نشده، اما روایت مستقیم از مشایخ مهم کوفی از ارتباطات او پرده برمی دارد.

مجموعه آثار وی در نجاشی به این شرح معرفی شده است: «کتاب التنزیل والتعبیر، کتاب یوم ولیلة، کتاب التفسیر، کتاب مكة والمدينة، کتاب حروب الأوس والخزرج، کتاب العلل، کتاب فی علم الباری، کتاب الخطب».

ابن شهر آشوب مازندرانی (ت ۵۸۸ ه.ق) در گزارشی منحصر به فرد کتاب تحت عنوان «التحریف و التبدیل» را به وی انتساب می دهد. (ابن شهر آشوب، ۱۰۵) اما احتمال تحریف از «التنزیل و التعبیر»، منتفی نیست.

صدوق و طوسی به روایات او طریق دارند که همه طرق ایشان به وی در من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار صحیح خوانده شده است. (حلی، ۴۴۰؛ ابن داود، ۳۸۰)

اساتید و شاگردان

مطالعه شخصیت محمد برقی در منابع حدیثی نشان می دهد وی بیشترین حجم دریافت روایات در کتب اربعه را به ترتیب از وهب بن وهب، نضر بن سوید، سعد بن سعد اشعری، عبدالله بن مغیره بجلی، محمد بن سنان، قاسم بن عروه و محمد بن ابی عمیر داشته است. به غیر از وهب بن وهب که ضعیف و کذاب خوانده شده است و قاسم بن عروه و محمد بن سنان که علی رغم گفتگوهایی درباره ایشان، قابل دفاع هستند؛ باقی مشایخ او در درجه بالایی از وثاقت قرار دارند. (حلی، همانجا) در مورد شاگردان برقی نیز می توان گفت قریب به تمام میراث روایی او در کتب اربعه به فرزندش احمد و احمد بن محمد بن عیسی اشعری منتقل

شده است. در منابع حدیثی مدرسه قم از جمله آثار صدوق، نام راویانی همچون ابراهیم بن اسحاق، ابراهیم بن هاشم، بکر بن صالح رازی، علی بن ابراهیم معلی، علی بن مهزیار، محمد بن اورمه، محمد بن عبدالجبار، محمد بن علی کوفی، محمد بن عیسی دامغانی و هیثم بن ابی مسروق نهدی نیز دیده می شود.

نقل مستقیم از امام

تستری در قاموس بر این باور است که از وی روایتی مستقیم از امامان معصوم در کتب اربعه و غیر آن نیافته است. (۹/ ۲۴۹ ـ ۲۵۲، به‌رقم ۶۶۷۹) این در حالی است که آیت‌الله خویی فقط دو روایت را به نقل مستقیم او از امام در کتب اربعه منتسب می داند. (۱۶/ ۶۷، به‌رقم ۱۰۶۸۸) و روایتی دیگری نیز از حضرت جواد(ع) در کتاب "عیون اخبار الرضا" به چشم می خورد. پس مجموع روایات مستقیم او از امام به عدد سه می رسد. با توجه به آنکه روایات وی در کتب اربعه مکاتبه است، تنها یک احتمال در توجیه فرمایش مرحوم تستری باقی می ماند و آن نقل مستقیم شفاهی است. لکن اشکال بر ایشان نسبت به سایر منابع به قوت خود باقی است. این سه روایت در مورد زکات (کلینی، ۳/ ۵۵۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام،۴/ ۹۵؛ صدوق، من لایحضره الفقیه،۲/ ۳۲)، بطلان امامت واقفیان در نماز (طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۸/۳؛ صدوق، من لایحضره الفقیه،۳۷۹/۱) و فضائل علی(ع) (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱/ ۲۸۱)است.

شخصیت شناسی

نجاشی او را «ضعیفاً فی الحدیث و کان ادیباً حسن المعرفة بالأخبار و علوم العرب» (همانجا) معرفی می کند، شیخ طوسی او را ثقه می خواند، (طوسی، رجال، ۳۶۳، به‌رقم۵۳۹۱) ولی ابن غضائری

با عبارت «حدیثه یعرف و ینکر، یروی عن الضعفاء کثیراً و یعتمد المراسیل» (ابن غضائری،۱/ ۹۳، به‌رقم ۱۳۲) به شخصیت او خرده می گیرد.   غالب رجالیان دیگری که نام وی را ذکر کرده اند توثیق شیخ را مقدم داشته و عبارت «یروی عن الضعفاء» را متوجه شخصیت وی نمی دانند. علامه حلی در "خلاصة الأقوال" می نویسد: «و الاعتماد عندی علی قول الشیخ ابی جعفر الطوسی». (۱۳۹)

ریشه یابی تعامل دوگانه صاحبان منابع رجال با شخصیت او نشان می دهد سه عامل نظریه پرداز و صاحب اندیشه بودن وی، تعامل با ضعیفان و غالیان و اتهام به اعتماد بر مراسیل از جمله عوامل تضعیف او به شمار می رود.

برقی، نظریه پرداز و صاحب اندیشه

گونه نقل روایات و گوناگونی شاگردان وی نشان می دهد او صاحب اندیشه و فکر بوده است و تنها به نقل روایت بسنده نکرده است. انتشار روایات او در ابواب متعدد و عناوین اصلی مباحث امام شناسی در مصدر اصلی این بحث یعنی کتاب الحجه کافی و بصائر می تواند شاهد این مدعا باشد. شواهد دیگر این ادعا نیز در پی خواهد آمد.

بی تردید مهم ترین عنصر در استمرار خط انتقال معارف اهل بیت، اعتماد راویان بر صحت انتساب روایات به مصدر اصلی آن یعنی امام معصوم است. همواره مسیر اصلی این میراث با مواظبت و گاه وسواس اصحاب ایشان همراه بوده است. مطالعه منابع فهرستی، از حقیقت اقبال راویان و محدثان بر مسیری که به لحاظ تاریخی کمتر دچار لغزش شده و به لحاظ بنیان های دینی کمتر در معرض انحراف است، پرده بر می دارد. این اقبال، از سویی گرایش به خط فقه مدار و از دیگر سو تمایل به گروههای مصلحت اندیش را تقویت می کند. نمونه هایی از این حساسیت ها عبارتند از:

۱ نجاشی در ترجمه محمد بن عبدالله بن محمد می گوید: «این شیخ را دیدم و روایات زیادی از او شنیدم، سپس نسبت به نقل روایت از او توقف کردم مگر با واسطه ای میان من و او». (نجاشی۳۹۶، به‌رقم ۱۰۵۹)

۲ همو در ترجمه حسین بن سعید اهوازی می نویسد: «ابن نوح گفت: "و این طریق غریب است که ثبت آن را مگر به نقل ابوالعباس دینوری نیافتم. پس لازم است هر نسخه از کتاب فقط بر اساس نقل صاحب طریق روایت شود، و نباید روایتی (از یک نسخه) بر روایت نسخه دیگر، و نسخه ای از کتاب بر نسخه دیگرش حمل شود، تا اختلافی در کتاب و نسخه ها و روایاتش ایجاد نشود"». (همو، ۶۰، به‌رقم ۱۳۷)

۳ نیز در ترجمه ایوب بن نوح بن دراج نخعی می نویسد: «ایوب از جماعتی از اصحاب امام صادق(ع) روایت نقل کرده است، اما هیچ روایتی از پدر و عمویش نقل نکرده است». (همو، ۱۰۲، به‌رقم ۲۵۴)

ریشه یابی این جمله نشان می دهد که نوح بن دراج علی رغم وثاقت و صحت اعتقاد (نک: نجاشی، ۱۲۶، به‌رقم ۳۲۸ و حلی، ص ۱۳)، تنها به جهت آنکه «کان قاضیاً فی الکوفة» و «کان یخفی امره» مورد احتیاط و عدم انتقال میراث حتی از جانب فرزندش شده است.

پذیرش این رویه به عنوان اصل مورد قبول و عمل راویان نشان می دهد مخالفت با این جریان عواقب سنگینی را در پی خواهد داشت. رصد تراث برقی نشان می دهد در مقابل این مشی، وی نگاهی توسعه ای به روایت مشایخ دارد و به جای مصلحت اندیشی که ثمره حفظ و تقویت شخصیت راوی را در پی دارد، حفظ میراث و پی جویی قرائن پذیرش و نقل روایات را در اولویت قرار می دهد.

باورمندی راویان آثار بر صحت انتساب مفاد احادیث به امام معصوم، اساسی ترین عنصر در اعتماد به یک راوی و انتقال میراث حدیثی و مکتوب او به شمار می رود. ایشان در نقل حدیث نیز بر مدار وثوق به صدور حرکت می کنند، و گاه پس از وثوق به صدور روایت، از برنتابیدن فضای عمومی جامعه به جهت ضعف یا کژ اعتقادی راوی چشم پوشی می کنند.

این روال به وضوح در گزارش نجاشی از موضع ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی و برخورد کوفیان با کتاب المعرفه او که مشتمل بر مناقب معروف و البته مثالب است، دیده می شود. بر پایه این گزارش کوفیان انتشار این کتاب را بزرگ خواندند و او را از آن منع کردند. وی به انتشار این کتاب در اصفهان ـ که دورترین نقطه از مرکز اعتقادی شیعیان به شمار می رفت ـ کمر همت می بندد. این هجرت تنها به جهت یک نکته است، و آن «ثقة منه بصحة ما رواه فیه». باور او بر صحت مفاد کتاب است و انتساب آن را تمام می داند، پس به انتشار آن همت می گمارد. (نجاشی، ۱۷، به‌رقم ۱۹)

نیز برخورد عیاشی با اسحاق بن محمد بصری مؤید همین نکته است. ایشان علی رغم آنکه ابویعقوب اسحاق بن محمد بصری را غالی می خواند و احادیثی که او از مفضل بن عمر در تفویض عرضه می کند را برنمی تابد، اما هنگامی که احادیث استنساخ شده او از ثقات را می بیند، به اخذ و روایت آن می پردازد و در نهایت گزارش او را «احفظ من لقیته» می خواند. (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۵۳۰، به‌رقم ۱۰۱۴)

رفتار شناسی بزرگان شیعه در قم نیز نشان می دهد ایشان عنصر اطمینان به محتوای روایات را عنصری محوری در اعتماد به راویان و روایاتشان می دانستند. به عنوان نمونه می توان به اعتماد محمد بن خالد برقی و فرزندش به میراث محمد بن علی ابوسمینه و یا وهب بن وهب و حتی قاسم بن عروه از سویی، و نقل گسترده روایات محمد بن خالد برقی و محمد بن سنان توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری از دیگر سو، اشاره کرد.

فارغ از مباحث ذکر شده تعقیب چرایی روایت از ضعفاء و دقت در مفهوم «یروی عن الضعفاء کثیراً» به روشن شدن زوایای بحث کمک می کند.

از این نکته نمی توان گذشت، اگر این حجم از روایت از ضعفایی همچون وهب بن وهب یا ابن سنان به این نسبت می انجامد، و یا روایت احمد بن محمد خالد برقی از محمد بن علی ابوسمینه، او را در این زمره می گنجاند؛ قضاوت در مورد گستردگی غیر قابل مقایسه روایت احمد اشعری از محمد بن سنان چگونه خواهد بود؟

بر اساس گزارش نجاشی، محمد برقی و فرزندش احمد به نقل از ضعفاء منتسب شده اند، اما احمد اشعری از این انتساب مبراست. پی جویی علت این تفاوت احتمالاتی را در ذهن می آفریند:

۱ معیار نجاشی در مورد برقی ها چیزی غیر از معیار قضاوت درباره احمد اشعری باشد.

۲ برقی و اشعری دو انگاره متفاوت از ضعفاء و اعتماد بر میراثشان داشته اند و این انگاره به دو فرآیند متفاوت در پذیرش یا رد روایات ضعفاء منتهی شده است.

۳ نوعی قصور در اطلاع رسانی منابع فهرستی وجود داشته است، و حجم گسترده روایات اشعری از محمد بن سنان و محمد بن خالد مغفول واقع شده است.

در بررسی احتمالات فوق، احتمال اول پذیرفتنی نیست، چرا که اثبات مشی متفاوت نیازمند دلیل محکمی است که دشوار می نماید و سرانجامش به تزلزل میراث حدیثی و مسیر انتقال آن منتهی می شود و با سیره و مشی ائمه و اصحاب خواص ایشان در عرضه و نقد احادیث متعارض است. گرچه نمی توان بازتاب شخصیت این دو نفر در فضای عمومی شیعه، که متأثر از نگاه متفاوت به اخذ و انتقال حدیث است، صرف نظر نمود.

احتمال سوم نیز اگرچه بعید به ذهن نمی آید، اما ثمره ای جز ابهام آفرینی ندارد. به خلاف احتمال دوم که از شواهد متعدد تاریخی و مهم تر از آن فهرستی و روایی برخوردار است.

از این نکته نمی توان چشم پوشید که سردمداری اشعری در مبارزه با غلو و پیش روی تا اخراج محدثان بزرگ از پشتوانه حمایت قاطع جریانی عمومی و غالب نزد مردمان آن دوره پرده برمی دارد. این نکته از تفاوت جایگاه محدثی که درپی انتساب روایات به معصوم و انتشار آن است، با اشعری که هدایت جامعه شیعه و نظریه پردازی حرکت ایشان را بر عهده دارد، نشان می دهد.

اگرچه در مقام قضاوت یا خرده گیری بر اشعری نیستیم لکن تذکر این نکته ضروری است که بازگشت او از نقل روایات حسن بن محبوب، تغییر دیدگاه او نسبت به یونس بن عبدالرحمن و احمد برقی با نگاه خوش بینانه نشانه هایی از شتابزدگی احمد اشعری در قضاوت راجع به راویان از سویی و وجود مؤلفه های خاص حاکم بر جامعه شیعه و مصلحت اندیشی ایشان در جهت حفظ و هدایت جامعه از سوی دیگر حکایت می کند. او تنها ابزار اعمال این مصلحت را در طرد بزرگانی از حدیث شیعه می بیند.

بر این باور هستیم که این نوع مصلحت اندیشی در نگاه برقی نیست. گو آن که، این نگره توسعه ای به هیچ وجه به معنای اباحی گرایی در نقل روایات نیست و شواهد تأکید بر نقل تراث صحیح و اعتماد وی بر میراث معتبر در پی خواهد آمد.

تعامل برقی با ضعیفان و غالیان

روایت نسخه کتاب اصرم بن حوشب بجلی که عامی اما ثقه است (نجاشی، ۱۰۷، به‌رقم ۲۷۱) و عبدالملک بن هارون بن عنتره شیبانی که «لم یکن متحققاً بأمرنا» خوانده شده، (همانجا، ۲۴۰،

به‌رقم ۶۳۷) و انحصار روایت کتابشان از جانب برقی نشان از تعامل وی با اهل سنت دارد. این تعامل به نوبه خود، هر راوی را در مظان مخالفت قرار می دهد. نیز روایت کتاب ابوطالب ازدی که در زمره ضعفاء جای می گیرد و نجاشی درباره او می نویسد: «اصحاب ما گفته اند: او تنها از جهت محمد برقی شناخته می شود» (همو، ۴۵۹، به‌رقم ۱۲۵۵) از تعامل او با ضعفاء و مجهولین پرده برمی دارد.

رصد روایات او در کتب اربعه نیز نشان می دهد او بالغ بر ۸۱ روایت از وهب بن وهب قرشی (ابوالبختری) و ۵۴ روایت از محمد بن سنان دارد.

وهب بن وهب که دارای منصب قضاء از طرف هارون الرشید بوده با عباراتی چون «کان کذاباً و له احادیث مع الرشید فی الکذب» (نجاشی،۴۳۰، به‌رقم ۱۱۵۵)، و «ضعیف لایعول علی ما ینفرد به» (طوسی، فهرست،۳۰۳)و «کذاب عامی الا ان له عن جعفر بن محمد احادیث کلها لا یوثق بها» (ابن غضائری،۱۰۰/۱)توصیف شده و دفاع از وی سخت می نماید. اما روایات برقی از او در حیطه عقاید به عدد انگشتان یک دست هم نمی رسد و عمده روایاتش در حوزه فقه است.

شخصیت جنجالی محمد بن سنان و قضاوتهای چندگانه اصحاب رجال نسبت به او نیز معروف است. وجود روایات غیبت در میراثی که محمد بن خالد برقی از محمد بن سنان نقل کرده نیز سؤالات و ابهاماتی را در ذهن می آفریند که احتمال انتساب ضعف به او به جهت نقل چنین روایاتی را قوت می بخشد.

میزان قوت این انتساب برای خرده گیری بر برقی گذشت.

برقی و اعتماد بر مراسیل

این نسبت را نیز ابن غضائری مطرح نموده و از جمله نقاط ضعف وی شمرده است. در اهمیت این اتهام همین بس که آیت‌الله خویی در توجیه ترجیح علامه مبنی بر پذیرش قول شیخ و

عدم اعتناء به فرمایش نجاشی معتقد است، کلام نجاشی تصریح در تضعیف او نیست و به جهت اعتماد او بر مراسیل و نقل روایات ضعیف او را «ضعیف فی الحدیث» خوانده است. و آن گاه نتیجه می گیرد توثیق شیخ بدون معارض باقی می ماند. (خویی، ۶۷/۱۶) در مقام پاسخ به این اتهام یاد شده به دو محور خواهیم پرداخت.

محور اول: قوت اتهام اعتماد بر مراسیل

این انتساب در رابطه با بزرگانی از اصحاب امامیه از جمله محمد بن ابی عمیر ـ گرچه قطع به وجود اِسناد در مراسیل او داریم ـ ، احمد بن محمد خالد برقی، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری و حسن بن محمد بن جمهور نیز مطرح شده است.

اعتماد بر مراسیل اگر به عنوان یک منهج اجتهادی راوی در فهم و نقل احادیث باشد، نمی تواند به عنوان ایراد بر راوی مطرح شود. علاوه بر آنکه تصریح به ارسال از جانب راوی، اشکال تدلیس را نیز مرتفع می سازد. محمد بن حسن بن زین الدین (ت۱۰۳۰ه.ق) نویسنده «استقصاء الاعتبار» در این باره می نویسد:

«گاهی به ذهن چنین می رسد که اعتماد بر مراسیل شایسته قدح شمردن نیست، چرا که مرجع این اعتماد اجتهاد راوی است. مگر آن که گفته شود مراد از اعتماد بر مراسیل، نقل مرسل روایت بدون بیان است که نوعی تدلیس به شمار می رود و موجب قدح اوست. در پاسخ می گوییم علماء درایه روایت بر اساس اجازه را بدون آوردن لفظ اجازه جایز شمرده اند. پس مضر بودن ارسال در حق راوی از بر اساس شیوه خاص او باشد محل تأمل است». (۴۸/۱ و ۴۹)

وی این نکته را در مواضع متعددی از کتابش و هنگام یادکرد محمد بن خالد و پسرش احمد و نیز محمد بن احمد اشعری تکرار می نماید. (همو، ۱/ ۹۵ و ۹۶ و ۸/۳) پس طبق این اندیشه ـ که

ارسال را با قوت احتمال اعتماد مخل به صحت نمی بیند ـ هدف اتصال سند ـ یعنی اعتماد بر صدور و صحت انتساب به معصوم ـ تأمین می شود. این به معنای سهل گیری راویان نیست، بلکه شیوه گروهی از ایشان را نشان می دهد.

محور دوم: حجم ارسال در تراث برقی

در جدول ۱ مرسلات برقی در مهم ترین منابع، برای نقد اتهام ارسال آورده شده است.

جدول ۱

منبع	مجموع روایات برقی	مرسلات برقی	اعتماد بر مراسیل دیگران	حوزه ارسال			درصد
				عقاید	فقه	اخلاق	
محاسن	۸۶۸	۲	۲			*	% ۰/۲۱
کافی	۵۴۴	۱۴	۱۱	۱۳	۱۰	۱	% ۴/۵
تهذیب	۳۶۴	۵	۳		*		% ۲/۱۹
بصائر	۹۷	۲	۱	*			% ۳/۰۹

مطالعه روایات محمد برقی نشان می دهد او در همه مواردی که ارسال حدیث کرده از الفاظی همچون «رفعه»، «عمن ذکره» و «عمن حدثه» آورده است. پس ارسال او نمی تواند مصداق تدلیس باشد.

علاوه بر این، ملاحظه جدول فوق نشان می دهد بیشترین حجم گزارش ارسال در کافی است که خود بر فرض صحت روایات و صدور مفاهیم آن تنظیم شده است.

جمع بندی مباحث پیش گفته نشان می دهد دو اتهام عمده بر برقی، انعکاس فراگیری در منابع ندارد. گرچه همین اتهامات ـ به ویژه نقل از ضعفاء ـ جایگاه او را نزد هم طرازانش تضعیف کرده است.

حجم روایات احمد اشعری از مشایخ عمده برقی در کتب اربعه و گونه نقل مستقیم و با واسطه او در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲

نام راوی	روایات بی واسطه	روایات با واسطه اشعری از وی			نام راوی	روایات بی واسطه	روایات با واسطه اشعری از وی	
		واسطه برقی	دیگران				واسطه برقی	دیگران
وهب بن وهب		۱۱			محمدبن سنان	۳۵۲	۹	۲۲
نضر بن سوید[1] *	۳	۴۷	۲۴۳		قاسم بن عروه		۳۴	۲۸
عبدالله بن مغیره	۱۱	۳۱	۵۵		محمدبن ابی‌عمیر	۴۲۰	۱۹	۱۰۵

توجه به آمار فوق و دقت در تراث راویانی همچون قاسم بن عروه و حسین بن یزید نوفلی که کاملاً فقهی است و مقایسه آن با تراث شخصیتی همچون وهب بن وهب نشان از اختلافات عقیدتی میان برقی و جریانی است که احمد اشعری به آن تعلق دارد. مقایسه آمار دو جدول

[1]. نقل مستقیم اشعری از راویانی که با علامت * مشخص شده‌اند با ملاحظه طبقه ایشان ممکن نیست. محققان احتمال واسطه حسین بن سعید را قوی دانسته‌اند.

فوق این نتیجه در ذهن نگارندگان بسیار قوی می نماید که اعتماد شخصیتی همچون احمد اشعری در میراث عقیدتی نیز بر پیروی از خط فقه مداری است که به نقل عقاید نیز می پردازد. این ادعا در بازخوانی احادیث اشعری در کتاب بصائر الدرجات نیز دیده می شود. مشایخ اشعری در بصائر و عدد روایات او از ایشان در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول۳

ردیف	نام راوی	عدد روایات	درصد		ردیف	نام راوی	عدد روایات	درصد
۱	حسین بن سعید اهوازی	۱۸۳	۳۶/۳		۸	ابن ابی عمیر	۱۱	۲/۱۸
۲	علی بن حکم	۶۳	۱۲/۵		۹	عمر بن عبدالعزیز	۱۲	۲/۳۸
۳	حسن بن محبوب	۳۳	۶/۵۴		۱۰	محمد بن اسماعیل بزیع	۹	۱/۷۸
۴	محمد بن خالد برقی	۳۱	۶/۱۵		۱۱	حسن بن علی وشاء	۸	۱/۵۸
۵	محمدبن سنان	۲۴	۴/۷۶		۱۲	عبدالله بن محمد حجال	۷	۱/۳۸
۶	احمد بن ابی نصر	۱۶	۳/۱۷		۱۳	علی بن نعمان	۷	۱/۳۸
۷	حسن بن علی بن فضال	۱۴	۲/۷۷		۱۴	راویان کم‌روایت و محتمل شتراک (۵۱ عنوان)	۸۶	۱۷/۰۶

توجه به عناصر ابتدایی این جدول نشان می دهد اشعری برای دسترسی به روایات اعتقادی مسیری را برگزیده است که شخصیتشان خالی از هرگونه شائبه ای باشد، به گونه ای که افزون بر ۵۵% روایاتش را از سه نفر اول که وثاقت بی معارض دارند، نقل کرده است.

نکته حائز اهمیت در این بین آنکه کتاب های معروف سی گانه حسین بن سعید را هم احمد اشعری و هم احمد برقی انتقال داده اند اما عبارت نجاشی در مورد طریقش به کتاب های وی به واسطه احمد اشعری ـ که آن را طریق پذیرفته شده اصحاب و مورد اعتماد معرفی می کند ـ (نجاشی، ۵۹) نشان از عنصر سرنوشت ساز سکون اصحاب بر احمد اشعری و نقل او دارد. نیز حضور او در انتقال همه میراث محمد برقی (طوسی، فهرست، ۴۱۸) و پرهیز از تعصبات بر فرض قوت انتساب به معصوم، نشان از وجود دو نکته دارد. یکی آنکه حجم عظیمی از میراث راویان شیعه و محدثان کوفه در اختیار او بوده است و دیگر آنکه ـ در فرض اشتراک مفاد ـ طریق روایات جریان فقه مدار بر خط فکری محمد برقی نزد وی ترجیح دارد.

باور نگارنده بر این است که مطابق جداول فوق خط مشی برقی با نگاهی توسعه ای به میراث حدیثی گروههای مختلف راویان، بر یافت قرائن اعتماد استوار گشته و به همین جهت نقل میراث مورد اعتماد متهمان به غلو را خرده ای نمی بیند. در حالی که در نقطه مقابل اندیشه احمد اشعری بر ستیزه و کنار نهادن آن به عنوان اصل اولی است که هر انگشت اتهامی را از راوی دور می کند. مراجعه به روایات برقی از وهب بن وهب این نکته را واضح می سازد چراکه برقی نیز مانند سایر اعلام به تراث عقیدتی او اعتنا نکرده است و تنها دو روایت در اصول کافی و دو روایت در بصائر از او نقل کرده است، اما نقطه مقابل او به میراث فقهی او توجه داشته و رد کلی را پیش نگرفته است.

میراث شناسی

یکی از شاخصه های مهم در بازخوانی شخصیت روایی و کلامی یک راوی، میراث شناسی اوست.

توجه به آثار محمد بن خالد برقی نشان می دهد او در هر حوزه های متنوعی که نجاشی نیز در شخصیت شناسی او ذکر کرده، فعالیت علمی داشته است. سه کتاب «یوم و لیلة»، «العلل» و «الخطب» حائز عناوین پرتکرار آثار اصحاب امامیه به شمار می روند و بیانگر مباحث اخلاقی و آداب و اعمال می باشند. حضور او در علوم قرآن و تفسیر آن نیز با دو عنوان «التنزیل و التعبیر» و «التفسیر» شناخته می شود. کتاب «مکة و المدینه» و «حروب الاوس و الخزرج» و نقل کتب نصر بن مزاحم (طوسی، فهرست، ۲۵۴ و ۲۵۵، بەرقم ۷۷۳) از تسلط وی بر مباحث تاریخی حکایت می کند و عبارت نجاشی که او را «حسن المعرفة بالأخبار» می خواند، مؤید این مطلب است. نیز نگارش کتاب در موضوع دقیق «علم الباری» ـ که از عناوین منحصر به فرد در آثار به شمار می رود ـ نشان از تبحر وی در مباحث عمیق عقیدتی دارد.

در این بخش ضمن بررسی حضور محمد بن خالد برقی در انتقال میراث شیعه به عنوان ملاکی در انعکاس حضور او در تدوین منابع و جوامع، به مطالعه و دقت میزان روایات و تنوع آن در منابع حدیثی ـ کلامی شیعه خواهیم پرداخت.

حضور در انتقال میراث شیعی

حضور گسترده وی در انتقال میراث صاحبان آثار شیعی قابل توجه است. فهرست ابوغالب، ابن بابویه و ابن بطه مجاری انتقال این حضور به دو فهرست مشهور در دسترس ما یعنی نجاشی و طوسی هستند. شمارگان راویان وصاحبان آثاری که محمد برقی در انتقال میراثشان به قم حضور داشته، در نجاشی بالغ بر ۳۴ نفر و در فهرست طوسی ۴۹ نفر است که شمار قابل توجهی از بزرگان اصحاب را در برمی گیرد.

نقل میراث راویان ثقه

انعکاس میراث معتبر شیعه در مجموعه روایات یک راوی و اهتمام وی بر نقل مصنفات بزرگان مورد وثوق بر اعتبار وی می افزاید. در این بخش به بررسی شخصیت و میراث راویانی می

پردازیم که برقی در طریق نقل آثار ایشان قرار دارد و از جانب مهم ترین راوی پژوه شیعه یعنی احمد بن علی نجاشی (۳۷۲ ـ۴۵۰ هـ) تصریح به وثاقت او شده است. نکته قابل توجه اینکه در بررسی راویان به کسانی توجه شده که علی رغم دو خصیصه فوق دارای حجم معتنا بهی از روایات هستند و برقی در طریق نقل روایات و کتب همه ایشان قرار دارد. سپس به میزان روایات محمد بن خالد برقی از ایشان می پردازیم تا حجم روایات او از ثقات روایت و تألیف شناخته شود. نکته مهم تر آنکه از این گزارش به انعکاس میزان توجه خاص صاحبان جوامع به میراث مورد اعتماد او نیز خواهیم رسید.

أـ حدید بن حکم

همه روایات او از امام صادق(ع) است و کتاب او را محمد برقی نقل کرده است. نجاشی او را «ثقة وجه متکلم» می خواند. متکلم بودن وی از نشانه های کم روایتی اوست. همه هفت روایت او در کافی به نقل از احمد اشعری و احمد برقی اما نه به واسطه محمد بن خالد منتقل شده است.

ب ـ زکریا بن آدم بن عبدالله

او را نجاشی «ثقة جلیل عظیم القدر و کان له وجه عند الرضا(ع)» معرفی می کند. او نیز به جهت تصدی منصب وکالت، به عنوان راوی کم روایت شناخته می شود. بیشتر روایات وی از امام رضا(ع) است اما محمد بن خالد در طریق کتاب مسائل او از ایشان نیست، و تنها ۳ روایت از ۸ روایت او در کافی را برقی نقل کرده است.

ت ـ سعد بن سعد الأحوص

غالب تراث سعد فقهی است. او نیز ثقه است و بیشتر روایاتش را محمد بن خالد نقل کرده است. برقی ۲۵ روایت از ۳۳ روایت سعد در کافی، ۲۶ روایت از مجموع ۴۴ روایت وی در

تهذیب، و در محاسن ۲ روایت از وی نقل کرده است. تنها در کتاب بصائر، عباد بن سلیمان گوی سبقت را از برقی ربوده و ۱۷ روایت از سعد نقل کرده است.

ث ـ عبدالملک بن هارون بن عنتره

او با عبارت بلندی توثیق شده است، اما مشکلی در او باعث شده هیچ انعکاسی از روایات او در کتب اربعه نباشد. به تصریح نجاشی او «کوفی ثقة عین، لم یکن متحققاً بأمرنا» معرفی شده است. صدوق دو روایت برقی از وی را در کتب خویش آورده است. روایت اول در توحید و «باب القضاء و القدر و الفتنة و الأرزاق و الأسعار و الآجال» است که حکایت از اصرار راوی بر فهم قدر و هدایت قدم به قدم امیرالمؤمنین(ع) در روشن ساختن حقیقت قدر برای اوست. (صدوق، التوحید، ۳۶۵، ح۳) روایت از او در کمال الدین دلالت بر جمع کمالات انبیاء در امام علی(ع) دارد. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲۵/۱)

ملاحظه این دو روایت نشان می دهد، برقی ضمن توجه به شخصیت عبدالملک روایاتی از وی نقل می کند که پذیرش آن اگر به تنزیه وی منجر نشود، به حکم اقرار مخالف خالی از اشکال است. این خود نشان از دقت برقی در تعامل با میراث حدیثی راویان دارد. از همین جا می توان به معناداری روایت او از ضعیفانی همچون وهب بن وهب نیز پی برد.

ج ـ علی بن محمد ابوقتاده قمی

اگرچه عدد روایات وی در کتب اربعه به ۴۱ روایت ـ با احتساب روایات تکراری ـ می رسد اما برقی تنها یک رویات از او در کتاب مجالس دارد. احمد اشعری ۲ روایت از او در کتب اربعه و احمد برقی ۷ روایت در مجالس شیخ از او نقل کرده اند. این احتمال در ذهن قوت می گیرد که روایاتِ در اختیار او به جهت هم طبقه بودن با محمد بن خالد از طرق دیگری به دست وی رسیده و نقل شده باشد.

ح ـ عمرو بن ابراهیم ازدی

عبارت «کوفی ثقة» در حق وی با ملاحظه کم روایتی او و گزارش ۳ روایت در کافی و ۲ روایت در محاسن از جانب برقی نشان از اعتنای او به راویان ثقه اما کم روایت دارد.

خ ـ احمد بن نضر خزاز

تمام ۱۲ روایت او در محاسن را محمد بن خالد نقل کرده است، اما هیچ یک از ۵ روایت او در بصائر را وی نقل نکرده است. در کتاب شریف کافی او ۶ روایت از احمد دارد که از عدد ۴ روایت محمد بن عبدالجبار وابراهیم بن هاشم بیشتر است. ناگفته نماند ۳۳ روایت او در این کتاب را محمد بن سالم که مصاحب او بوده نقل کرده است.

د ـ هارون بن جهم

محمد بن خالد برقی ۱۲ روایت از ۱۳ روایت او در محاسن را نقل می کند. وی که «کوفی ثقة» خوانده شده است و صبغه روایاتش اخلاقی است ۱۲ حدیث از ۲۵ روایتش را برقی نقل کرده است.

ذ ـ حفص بن بختری

اکثر روایات او را که اصلی کوفی دارد و در بغداد رشد یافته محمد بن ابی عمیر نقل کرده است. هر ۷ روایت برقی از او در محاسن و نیز تنها روایتش در بصائر به واسطه ابن ابی عمیر است. مرحوم کلینی در نقل احادیث حفص بر طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر» اعتماد کرده است و تعداد ۷۹ روایت از مجموع ۱۲۲ روایت او را با این سند آورده است.

ر ـ خلف بن حماد اسدی

او نیز «کوفی ثقة» خوانده شده و حجم گسترده روایات او ـ که بیشتر فقهی است ـ در منابع حدیثی به واسطه محمد بن خالد، محمد بن سنان و عمرو بن ابراهیم منتقل شده است. برقی ۸ روایت از او در محاسن، ۶ روایت در بصائر، ۷ روایت در امالی صدوق و ۲۶ روایت ـ از مجموع ۴۵ روایت او ـ در کافی از خلف بن حماد دارد.

ز ـ نضر بن سوید صیرفی

وی از اجلاء اصحاب امامیه به شمار می رود و نجاشی او را «کوفی ثقة صحیح الحدیث» می خواند. یکی از دو طریق شیخ به کتاب او به این شرح است: «و رواه محمد بن علی بن الحسین عن أبیه و محمد بن الحسن عن سعد (بن عبد الله) و الحمیری و محمد بن یحیی و أحمد بن إدریس عن أحمد بن محمد عن أبی عبد الله محمد بن خالد البرقی و الحسین بن سعید جمیعاً عن النضر بن سوید». ویژگی این طریق آن است که تعداد قابل توجهی از سه نسل مشایخ عمده و برجسته قم در آن حاضر هستند. علاوه بر این امتیاز این طریق آن است که هم برقی و هم حسین بن سعید در آن حاضر هستند و انعکاس و اقبال به هر کدام از این دو در مجامع حدیثی قابل بررسی است.

محاسن ۴۶ روایت از مجموع ۵۴ روایت نضر بن سوید را به واسطه محمد بن خالد گزارش کرده است. این در حالی است که بصائر بر طریق حسین بن سعید تکیه بیشتری دارد و ۳۴ روایت او در مقابل تنها ۵ روایت برقی و ۳ روایت مشترک بین این دو (با عطف برقی و حسین بن سعید) قرار گرفته است. در کافی نیز این آمار تکرار می شود و برقی در ۲۵ سند و به همراه حسین بن سعید در ۱۹ سند جای دارد، در حالی که حسین بن سعید به تنهایی در ۱۳۳ سند حضور دارد.گرچه سهم سایر راویان بسیار اندک است که از آنِ و ابراهیم بن هاشم، علی بن مهزیار و ابن ابی عمیر است. در تهذیب نیز حسین بن سعید ۳۲۷ روایت و برقی تنها ۱۱ روایت از نضر بن سوید دارند.

س ـ یحیی بن عمران حلبی

میراث حدیثی این راوی بزرگ شیعه که نجاشی او را با عبارت «ثقة ثقة صحیح الحدیث» در حد اعلای پذیرش معرفی می کند به واسطه نضر بن سوید منتقل شده است. همچون نضر، طریق فهرست به او با عطف نام دو راوی بزرگ یعنی حسین بن سعید و محمد بن خالد برقی شناخته می شود. از مجموع ۱۲۰ روایت یحیی در کافی سهم حسین بن سعید ۵۷ روایت و سهم محمد بن خالد ۴۲ است که همگی به واسطه نضر بن سوید گزارش شده است. در محاسن نیز ۳۱ روایت برقی یحیی بن عمران به واسطه نضر بن سوید به چشم می خورد، اما در بصائر روایات حسین بن سعید بیشتر است و ۱۵ روایت دارد، در حالی که محمد برقی ۸ و مشترکاً ۵ روایت از یحیی به واسطه نضربن سوید نقل کرده اند.

ش ـ حماد بن عیسی جهنی

مسیر اصلی انتقال تراث حماد بن عیسی به قم ابراهیم بن هاشم است. حماد بن عیسی که «کان ثقة فی حدیثه صدوقاً» است ۵۷۲ روایت را به واسطه ابراهیم بن هاشم به قم منتقل کرده است. فضل بن شاذان با ۹۰ روایت، احمد اشعری ۴۲ روایت و علی بن مهزیار و محمد بن خالد با ۱۰ روایت در رتبه های بعدی جای دارند. گستره نقل روایات او در تهذیب نیز از الگویی مانند کافی پیروی می کند. این در حالی است که در محاسن و بصائر روال به گونه دیگری است. در محاسن محمد برقی با ۴۴ و احمد با ۱۲ روایت بیشترین حجم نقل روایات او را به خود اختصاص داده اند. در بصائر عباس بن عروف با ۲۸، حسین بن سعید با ۱۹ و محمد بن عیسی با ۷ روایت حجم عمده روایات حماد بن عیسی را نقل کرده اند. این در حالی است که جمیع احادیث و مصنفات عباس بن معروف را احمد بن خالد به فهرست ابن بطه رسانده است.

ص ـ عبدالرحمن بن ابی نجران

ایشان که گویا از نسل متأخر راویانی است که برقی کتابش را روایت کرده است، با عبارت بلند «ثقة ثقة معتمداً علی ما یرویه، له کتب کثیرة» در قله وثاقت قرار دارد. میراث او را بیشتر شاگران برقی نقل کرده اند و تنها یک روایت از او در کتاب محاسن به نقل برقی گزارش شده است. در کافی احمد اشعری با ۱۳۶ روایت، حسین بن سعید با ۳۱ روایت و احمد برقی۲۸ روایت از عبدالرحمن دارند.

نتیجه

بررسی شرح حال راویان نشان می دهد محمد بن خالد در مسیر نقل میراث ثقات دیگری همچون قاسم بن برید بن معاویه عجلی، محمد بن مرازم بن حکیم، مطلب بن زیاد زهری، یوسف بن عقیل و ایوب بن حر جعفی نیز قرار دارد که به جهت حجم کم روایات جمع بندی و مقایسه را دشوار می سازد.

آمار راویان چهارده گانه فوق نشان می دهد:

الف) برقی از دو حیث مورد توجه بوده است یکی به جهت اعتماد بر طریقی که میراث راویان را منتقل کرده است و دیگری به جهت اخذ روایات و گنجاندن آن در مصادر اولیه و اصلی حدیث. گرچه در برخی موارد مثل مقایسه او با حسین بن سعید در روایات کتاب بصائر، اعتماد نقل از حسین بن سعید قوت می گیرد. گرچه این اعتماد می تواند معلول عوامل متعددی باشد.

ب) در این بررسی برجستگی شخصیت محمد بن خالد در کنار حسین بن سعید و ابراهیم بن هاشم به عنوان اصلی ترین مجاری انتقال میراث این بزرگان مشهود است.

ج) نیز این بررسی و جمع روایاتی که ایشان از ثقات ذکر شده دارد نشان می دهد، ادعای روایت از ضعفاء به معنای حجم گسترده روایت از ضعیفان و یا روایت از ضعفای متعدد نیست و تنها می تواند معطوف به روایت او از راویان ضعیف انگشت شمار باشد که در قیاس با حجم روایت از ثقات قابل مقایسه نیست. بحث از این مسأله که روایت از ضعفاء طبق اندیشه ای خاص بوده گذشت.

حضور در منابع روایی شیعه

در مصادر مهم روایی شیعه حضور برقی به عنوان اندیشمندی کلامی ـ فقهی و اخلاقی قلمداد می شود. در این بخش به رصد روایات او در کتابهای کافی، محاسن، بصائر، آثار صدوق و تهذیب و استبصار می پردازیم و ضمن مقایسه آمار این منابع به ترسیم جایگاه و شخصیت او نزد صاحبان مهم ترین منابع عقیدتی، فقهی و اخلاقی اولیه شیعه خواهیم پرداخت.

روایات برقی در کافی

وی در ۵۴۴ سند از روایات کتاب شریف کافی حضور دارد. تفکیک روایات او در مجلدات کتاب به قرار جدول ۴ است.

جدول ۴

جلد	موضوع	تعداد روایت برقی	مجموع روایات	درصد
۱	توحید و حجت	۶۸	۱۴۸۸	%۴/۶
۲	ایمان و کفر ـ العشره	۱۲۲	۲۳۵۳	%۵/۱
۳ ـ ۷	فقه	۳۲۵	۱۱۰۴	%۲/۹
۸	روضه	۲۹	۵۹۸	%۴/۸

این آمار نشان می دهد اولاً گستره حضور او در عقاید، فقه و اخلاق منتشر است. ثانیاً مقایسه روایات عقیدتی او در بصائر و کافی از طرفی و روایات فقهی او در کافی و تهذیب از طرف دیگر آماری نزدیک به هم را به دست می دهد که بیانگر جایگاه خاص او در اندیشه های متنوع صاحبان آن دارد. اما در هر حال، چهره غالب او را می توان اخلاقی دانست. علی رغم آن که حضور او در کتاب التوحید و کتاب فضل العلم بسیار کم رنگ است، جمع آوری و دسته بندی این روایات نشان می دهد در اکثر عناوین مهم کتاب الحجه روایات او منعکس است.

روایات برقی در محاسن

می توان ادعا کرد بالغ بر ۲۵% روایات کتاب محاسن به نقل احمد از پدرش است.

او در ۲۸۴ سند از مجموع ۱۰۷۱ روایت جلد اول محاسن حضور دارد که معادل ۲۶/۵۱% روایات آن را تشکیل می دهد. در جلد دوم نیز آمار به همین ترتیب است. حضور او در ابواب مختلف این مجلد در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵

عنوان کتاب	تعداد کل روایات	تعداد روایات محمد برقی	درصد
العلل	۱۳۰	۹۱	%۷۰
السفر	۳۹	۱۶۳	%۲۳
المآکل	۱۰۱۱	۲۵۷	%۲۵/۴۲
الماء	۱۱۹	۲۵	%۲۱
المنافع	۳۳	۴	%۱۲/۱۲
المرافق	۱۷۸	۴۴	%۲۴/۷۱

از نقاط حائز توجه در این آمار حجم روایات در کتاب العلل است که می تواند متأثر از این نکته باشد که در زمره تألیفات محمد برقی عنوان «کتاب العلل» به چشم می خورد.

روایات برقی در بصائر الدرجات

او مجموعاً در ۹۷ سند از روایات بصائر الدجات صفار حضور دارد که از این بین ۱۰ روایت با عنوان محمد بن خالد، ۵ روایت با عناوین احمد یا احمد بن ابی عبدالله عن ابیه، و ۸۲ روایت با عنوان البرقی یافت می شود. با لحاظ عدد روایات کتاب بصائر که ۱۸۸۱ روایت معرفی شده آمار نقل روایات او در این کتاب به ۵/۱۵% می رسد.

روایات برقی در آثار صدوق

اوج حضور برقی در میراث حدیثی شیعه در منابع مدرسه قم و به ویژه آثار صدوق است. حجم گسترده روایات او نه تنها از محمد بن خالد برقی بلکه خاندان او قابل توجه و اعتناست تا جایی که یکی از طرق قابل اعتنای ایشان به واسطه علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی است که چهار نسل از این خاندان را در برمی گیرد. شواهد نشان می دهد صدوق به دست خط احمد بن محمد دسترسی مستقیم داشته است و شرح برخی روایات در معانی الاخبار را به وی منتسب نموده است.

تعداد روایات برقی در تألیفات صدوق به قرار زیر است:

الامالی ۷۰ روایت، الخصال ۶۹ روایت، علل الشرایع ۳۸ روایت، معانی الاخبار ۳۴ روایت، التوحید ۲۸ روایت، ثواب الاعمال،۲۸ روایت، کمال الدین و تمام النعمه ۱۸ روایت، عیون اخبار الرضا ۱۳روایت. مجموع این ۲۹۸ روایت که غالباً به روایت فرزندش احمد در کتب صدوق انعکاس یافته، نشان اعتنای خاص صدوق به اوست.

او در طریق هفت راوی مهم و پر روایت مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه یعنی جابر بن یزید جعفی، محمد بن مسلم ثقفی، عبدالله بن ابی یعفور، فضیل بن یسار، حسن بن زیاد (صیقل)،

عمرو بن شمر جعفی و صفوان بن مهران جمال حضور دارد. برقی تراث این بزرگان را از طریق پسرش احمد منتقل کرده است. (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴/ ۴۲۴، ۴۴۱، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۶) نیز در طریق راویان دیگری همچون ابوبصیر، حکم بن حکیم، اسماعیل بن رباح، سلیمان بن عمرو احمر، سعید نقاش، نعمان بن سعد، علی بن عبدالعزیز، ایوب بن حر، عبدالله بن حماد انصاری عمر بن قیس بن ماصر و اسماعیل بن مهران قرار دارد. علاوه بر این نام وی در ۱۰ روایت کتاب من لایحضره الفقیه به چشم می خورد که از جمله آن مکاتبه وی با امام جواد(ع) است.

احتساب روایات او و حضورش در مشیخه راویان پر روایت، عدد روایاتش در فقیه را بالغ بر ۴۲۰ روایت نشان می دهد.

نمایه روایات برقی در چند کتاب

یکی از مؤلفه های شناخت جایگاه راویان مطالعه پراکندگی روایات او در ابواب مختلف است. شخصیت محمد بن خالد برقی دارای ابعاد عقیدتی، فقهی و اخلاقی است و پراکندگی روایات او در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت پایانی مقاله به مطالعه انتشار روایات وی در کتاب بصائر، کافی و التوحید می پردازیم تا از رهگذر آن به مفاهیم و سرفصل هایی که او در حوزه عقاید در دو مصدر مهم روایی منتقل کرده آگاهی پیدا کنیم.

مجموع روایت برقی در جلد اول کتاب کافی ـ بر حسب چاپ انتشارات اسلامیه ـ به عدد ۶۸ می رسد. پراکندگی این روایات به شرح زیر است:

ایمان و کفر یک روایت، کتاب العلم ۱۴ روایت، کتاب التوحید ۱۸ روایت و کتاب الحجه ۳۵ روایت.

مطالعه این روایات نشان می دهد که ایشان با نقل روایتی که تنها فاصله میان ایمان و کفر را کمی عقل می داند، (۲۸، ح۳۳) حلقه وصل این کتاب را بیان کرده است.

در کتاب فضل العلم ایشان درباره فضیلت علم آموزی، حق عالم، بذل علم، نکوهش علم بدون عمل، استعمال علم، منبع دریافت علم و نیز بدعت و قیاس و و لزوم پایبندی به سنت و شواهد کتاب روایت نقل کرده است. بی شک این مفاهیم عمده مطالب مطرح شده در این کتاب به شمار می رود. (ن.ک: ۳۲، ۳۷، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۹، ۶۹، ۷۰)

اما در کتاب التوحید وضع متفاوت است. ایشان علی رغم آنکه در بسیاری از ابواب روایت دارد اما در سه حیطه مهم مباحث توحیدی روایتی از ایشان نقل نشده است.

۱ ابوابی که ناظر به نفی تجسیم است اولین گروهی هستند که اثری از روایات محمد بن خالد در آن دیده نمی شود.

۲ گروه دوم ابواب مرتبط با اسماء و صفات هستند.

۳ آخرین گروه در مباحث عدل، خیر و شر، استطاعت و امر بین امرین از احادیث وی خالی است.

این در حالی است که در سایر مفاهیم اصلی همچون حدوث عالم، اطلاق شیء بر خداوند، نهی از کلام درباره کیفیت، مشیت و اراده و سعادت و شقاوت روایات او به چشم می خورد (نک: ۸۱، ۸۲، ۸۹، ۹۲، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴) و در باب «لایکون شیء فی السماء و الارض الا بسبعة» حضور خاص و پررنگ او قابل توجه است.

بعید نیست آنچه به قمی ها در باب اعتقاد به رؤیت و جبر و تشبیه نسبت داده می شود، به جهت حضور کم رنگ برخی اصحاب در این ابواب باشد.

گستردگی روایات برقی در کتاب الحجه کافی به ترتیبی است که نمی توان مجموعه‌ها و سرعنوان های اصلی بحث امامت را خالی از روایات وی یافت. از ابواب طبقات انبیاء و رسل و

فرق میان رسول و نبی و محدَّث تا ابواب مقامات قرآنی و ولایت ائمه گرفته تا مؤلفه های شناخت جانشین و نص بر ایشان و شؤون و جایگاه امام و روایات غیبت در میراث حدیثی او در کتاب الحجه کافی یافت می شود. (نک: ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۸۸، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۱، ، ۴۵۵) حضور پررنگ او در «باب فیه نکت و نتف من التنزیل فی الولایة» ـ که مشتمل بر روایات تأویلی آیات قرآن در حق اهل بیت به خصوص امیرالمؤمنین(ع) است ـ (نک: ۴۱۱، ۴۱۷، ۴۲۲. مجموعاً هفت روایت) و کم روایتی او در ابواب «الاشارة و النص» ـ که تنها روایتی در نص بر امام صادق(ع) نقل کرده است ـ بر امامان از نکات حائز اهمیت در این بین است.

این گستردگی با بسط قابل ملاحظه ای در کتاب بصائر نیز یافت می شود و برقی در ۷۹ باب از مجموع ۱۸۹ باب کتاب بصائر روایت دارد. این حجم بالغ بر ۴۱/۷۹% ابواب این کتاب را دربر می گیرد. چه آنکه به‌رقم احادیث او در ابواب ذکر شده متعدد است و در ابوابی همچون «ما عند الأئمة من سلاح رسول الله و آیات الأنبیاء ...» و «النوادر فی الأئمة و أعاجیبهم» بیشتر نیز هست.

در کتاب التوحید صدوق نیز روایات برقی بر نفی تشبیه و رؤیت و نیز تکیه بر حاشیه ای بودن استطاعت و روشن بودن استطاعت بندگان و خدایی بودن سرمنشأ آن به همراه تأکید بر حفظ مصلحت بندگان در تمام پیشامدهای زندگی از جانب خدا استوار گشته است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انتشار احادیث محمد بن خالد برقی در آثار متعدد مدرسه قم و ابواب مختلف، حکایت از جایگاه خاص او در استحکام این مدرسه دارد. برقی توانسته است فصل جدیدی در نگاه مدرسه

قم به روایات باز کند. او و فرزندش احمد، با نگاه نقادانه اما همراه با انصاف احادیث ضعفاء را دریافت و پالایش نموده اند، این در حالی است که اندیشه تحریم و حذف هر متهم به ضعف و غلو صبغه بزرگان و سردمداران قم به شمار می رود. رویکرد اصلی و غالب او مانند سایر بزرگان حدیث بر اعتماد و نقل میراث ثقات استوار گشته است. به اعتقاد ما مدرسه قم این گفتمان را پذیرفته است و نقل روایات ضعفاء به واسطه ثقاتی چون محمد بن خالد شاهد این مدعاست.

کتاب‌شناسی

۱ ابن داود، حسن بن علی بن داود حلی، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ه.ق.

۲ ابن شهر آشوب، محمد بن علی مازندرانی، معالم العلماء، نجف، کتابخانه حیدریه،۱۳۸۰ه.ق.

۳ ابن غضائری، احمد بن حسین، کتاب الضعفاء معروف به رجال ابن غضائری، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ه.ق.

۴ اردبیلی، محمد بن علی غروی، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، کتابخانه محمدی، بی تا.

۵ برقی، أحمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۸۳ه.ق.

۶ همو، المحاسن، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الإسلامیه،۱۳۷۰ه.ق.

۷ تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۲۵ه.ق.

۸ تفرشی، سید مصطفی بن حسین، نقد الرجال، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، آل البیت، اول، ۱۴۰۸ه.ق.

۹ حائری، ابوعلی محمد بن اسماعیل مازندرانی، منتهی المقال، قم، آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ه.ق.

۱۰ حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ه.ق.

۱۱ خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه،۱۴۱۰ه.ق.

۱۲ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۳۷۶ه.ش)، الامالی، تهران، کتابچی، ششم،۱۴۱۰ه.ق.

۱۳ همو، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ه.ق.

۱۴ همو، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ه.ق.

۱۵ همو، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ه.ش.

۱۶ همو، علل الشرایع، قم، داوری، اول، ۱۳۸۵ه.ش.

۱۷ همو، عیون اخبار الرضا(ع)، مهدی لاجوردی، تهران، جهان، اول، ۱۳۷۸ه.ق.

۱۸ همو، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی،۱۴۰۵ه.ق.

۱۹ همو، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۳ه.ق.

۲۰ همو، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ه.ق.

۲۱ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوچه باغی، تهران، اعلمی، ۱۴۰۴ه.ق.

۲۲ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تحقیق میرداماد، قم، آل البیت، ۱۴۰۴ه.ق.

۲۳ همو، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی خرسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم،۱۴۰۷ه.ق.

۲۴ همو، رجال الطوسی، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ه.ق.

۲۵ همو، الفهرست، نجف، کتابخانه مرتضویه، بی تا.

۲۶ عاملی، حسن بن زین الدین، منتقی الجمان، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ه.ق.

۲۷ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه، اول، ۱۳۸۰ه.ق.

۲۸ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق محمد آخوندی، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ه.ق.

۲۹ کنی، ملا علی، توضیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محمد حسین مولوی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۷۹ه.ش.

۳۰ نجاشی، احمد بن علی، فهرست مصنفی رجال الشیعه معروف به رجال‌نجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ه.ق.

۳۱ بحرالعلوم، سید مهدی، الفوائد الرجالیه،تحقیق بحرالعلوم، محمد صادق و حسین، تهران، کتابخانه الصادق، اول، ۱۳۶۳ش.